



و انتشار آن بود و با عشق، دست به طبابت می‌زد. ایشان حتی منشی هم نداشتند و بیمارانی که به ایشان رجوع می‌کردند، اگر تمایل داشتند یا توان پرداخت داشتند، به‌طور داوطلبانه، مقداری پول در کشوی میز دکتر می‌گذاشتند. حتی اگر توان مالی‌شان ضعیف بود، ایشان روی نسخه علامتی می‌گذاشتند تا دکتر رمضان‌خانی در داروخانه متوجه موضوع بشوند و از بیمار منظور پولی دریافت نکنند. در پایان هر ماه نیز این نسخه‌ها از طریق دکتر پاک‌نژاد و شهید آیت‌الله صدوقی حساب و کتاب می‌شدند. از دیگر ویژگی‌های شهید پاک‌نژاد شهرت‌گریزی بود، هرگز در پی کسب شهرت برنیامدند و حتی اگر زمانی ما به ایشان خبر می‌دادیم که مثلاً اسم‌شان در کتاب یا مجله‌ای آمده است، کاملاً بی‌تفاوت با موضوع برخورد می‌کردند. برای نماز، احترام خاصی قائل بودند و همیشه لباس به‌خصوصی برای نماز خواندن به تن می‌کردند. هرگز ندیدم در صف اول نمازگزاران بایستند. اصولاً یا صف آخر بودند یا گوشه و کناری را انتخاب می‌کردند و به نماز می‌ایستادند.

و این یعنی پرهیز کامل از ریا. دقیقاً. یعنی فقط برای خدا و رضای او کار کردن. این ویژگی‌ها همان چیزی بود که باید مدنظر قرار می‌گرفت و به عنوان الگو به دیگر همکاران معرفی می‌شد. چراکه وقتی میزان و معیار وجود داشته باشد، خیلی بهتر می‌توان مسیر را تشخیص داد. بنابراین معرفی دکتر پاک‌نژاد - به عنوان الگو - یکی از وظایف من محسوب می‌شد. در خصوص مسائل اخلاقی و ویژگی‌های فعالیت‌های

اگر به این معیارها رجوع کنیم و زندگی و عمل‌کرد شهید پاک‌نژاد را نیز به موازات آن مورد مطالعه قرار دهیم، به وضوح خواهیم دید که شهید پاک‌نژاد، هرگز برای کسب ثروت تلاش نکرد، همواره در پی کسب دانش و انتشار آن بود و با عشق، دست به طبابت می‌زد.

شما چند سال است که به عنوان مدیر نظام پزشکی یزد فعالیت می‌کنید. مدت‌ها پیش گفته‌اید که شهید پاک‌نژاد باید برای تمام پزشکان به عنوان یک الگو معرفی شوند. چه خصوصیت و ویژگی‌هایی باعث می‌شود تا در چنین جایگاهی چنین بیانی از شهید داشته باشید؟

برخی، برای ادای تکلیف کاری انجام می‌دهند و برخی برای مادیات. وقتی نظام، نظامی اسلامی است، برای معرفی الگو باید به معیارهای اسلامی رجوع کرد. در معیارهای اسلامی، کار برای خدا صورت می‌گیرد و این کار چون برای خدا انجام می‌شود، باید بهترین باشد و برای رسیدن به بهترین‌ها باید دانش بالاتری کسب کرد و رابطه، صرفاً زبانی است نه مادی. اگر به این معیارها رجوع کنیم و زندگی و عمل‌کرد شهید پاک‌نژاد را نیز به موازات آن مورد مطالعه قرار دهیم، به وضوح خواهیم دید که شهید پاک‌نژاد، هرگز برای کسب ثروت تلاش نکرد، همواره در پی کسب دانش

آقای دکتر در حال حاضر چند سال دارید؟ پنجاه و پنج سال. بنابراین در دوران حیات دنیوی شهید پاک‌نژاد، سن زیادی نداشته‌اید.

زمانی که مستقیماً با ایشان در ارتباط بودم، دوره دبیرستان را طی می‌کردم. دبیرستانی که توسط حاج آقا رسولیان بنیاد گذاشته شد و شهید پاک‌نژاد هم به عنوان رئیس هیأت امناء در آن دبیرستان حضور داشتند. یکی از فعالیت‌های دکتر در این دبیرستان، جلساتی بود که روزهای دوشنبه برای کل دبیرستان برگزار می‌کردند. در این ایام، دانش‌آموزان در سالن کنفرانس جمع می‌شدند و شهید پاک‌نژاد با خوش‌رویی تمام، به سؤالات دانش‌آموزان پاسخ می‌دادند و حتی اگر کسی شرم می‌کرد تا سؤالی را مطرح کند، به‌صورت کتبی سؤال را طرح می‌کرد و شهید پاک‌نژاد نیز پاسخ می‌داد.

در حقیقت، راه مباحثه را باز می‌گذاشتند. بله، به همین دلیل، دانش‌آموزانی که در آن دوران حضور داشتند، با رفع شبهات و مسائل‌شان، بسیار یقین‌یافته‌تر به کسب دانش و زندگی می‌پرداختند، تا جایی که بخش عمده‌ای از این دانش‌آموزان وقتی وارد دانشگاه‌ها می‌شدند، در فضای آن زمان با گروه‌های مختلف مثل توده‌ای‌ها وارد بحث می‌شدند و می‌توانستند به‌راحتی از پس این‌گونه بحث‌ها بریایند. اگر آماری تهیه کنید، خواهید دید که بسیاری از این دانش‌آموزان، در حال حاضر، خیلی مخلص و متدین در پست‌های مختلف، در حال خدمت جامعه و انقلاب اسلامی هستند.



برای شناخت کامل دکتر به زمان بیشتری نیاز است...

گفت‌وشنود شاهد یاران با دکتر علی محمد سادات اخوی،
رئیس سازمان نظام پزشکی یزد و شاگرد شهید

درآمد

از ابتدای تهیه این ویژه‌نامه، این سخن نغز و زیبا در گوشم بود: «شهید پاک‌نژاد، باید الگوی تمام پزشکان ما قرار گیرد.» گوینده این سخن، کسی نیست جز دکتر علی محمد سادات اخوی، رئیس سازمان نظام پزشکی یزد، پس طبیعی بود که برای دریافت میزان شناخت گوینده چنین سخنی از شهید و انتقال این شناخت بارز به سراغ دکتر سادات اخوی برویم. این هم حاصل گفت‌وگوی ما با این پزشک و همشهری شهید حادثه هفتم‌تیر.



این‌که در آن دوران، مجلس مشغول امور کلی بود و به‌شدت در پی تعریف و تنظیم موضوعات کلی بودند.

خبر شهادت شهید پاک‌نژاد را کجا و چگونه دریافت کردید و چه کردید؟

در آن زمان من تهران بودم و در بیمارستان شهدای تجریش مراحل تحصیلی‌ام را طی می‌کردم. خبر را از اخبار صبح تهران شنیدم و برای مدتی موجب شد کاملاً متعجب و متحیر بمانم. البته به‌دلیل مشغله بسیارم در تهران، که تازه دورهٔ انترنی را می‌گذراندم، نمی‌توانستم به یزد سفر کنم، اما چون مراسم مختلفی در تهران برگزار می‌شد، در این‌گونه مراسم شرکت می‌کردم.

شما یک شخصیت علمی هستید که خطهٔ یزد، مردم و فرهنگ یزد، شهید پاک‌نژاد و ویژگی‌های ایشان را به‌خوبی می‌شناسید و حتی در مدتی که طی شده است، با نکات بازنتری نیز آشنا شده‌اید. آن‌چه امروز از شهید پاک‌نژاد برای تان مجسم شده را برای ما نیز ترسیم کنید.

واقعیت این است که هنوز همان دکتر پاک‌نژادی را که در آن سال‌ها دیدم و آشنا شده‌ام، چنان‌که باید و کامل نشناختم. زمان زیادی گذشته است، اما هنوز من به زمان بیشتری نیاز دارم، اما یک آموزهٔ بسیار بزرگ از این شهید بزرگوار دارم که همیشه آویزه گوش خود کرده‌ام و هرگز فراتر از آن نرفته‌ام و آن این‌که هرگز در آن‌چه نمی‌دانم دخالت نکرده‌ام و به امری که دانشی در آن ندارم نپرداختم. همیشه گفتم با این موضوع آشنایی ندارم یا توان انجام این کار در من نیست یا دانشی در این زمینه ندارم. به این ترتیب، هرگز به کسی آسیب نرسانده و موجب آزار کسی نشده‌ام. این، یکی از بزرگ‌ترین آموزه‌های من از شهید پاک‌نژاد است که در همهٔ مراحل زندگی به کار بسته‌ام و خواهم بست.

به‌حدی چاره‌ساز و تأثیرگذار بود که حتی وقتی در دانشگاه‌ها حاضر می‌شدیم، می‌توانستیم در خصوص این مسائل واکنش نشان دهیم. از سوی دیگر، شهید پاک‌نژاد، هرگز نگرشی جز آگاهی‌بخشی و روشنی‌بخشی را پی نگرفت.

حضور دکتر پاک‌نژاد در این انجمن به چه صورت بود؟

شهید پاک‌نژاد، در عرصه‌های مبارزاتی هرگز نگرش رهبری نداشت، بلکه کاملاً تحت رهنمودهای شهید صدوقی حرکت می‌کرد. به‌هر حال، شهید پاک‌نژاد به

ویژگی دکتر پاک‌نژاد این بود که به همه چیز از زاویه دین نگاه می‌کردند. حتی وقتی ایشان در زمینهٔ پزشکی دست به قلم می‌شوند و کتاب ماندگار «اولین دانشگاه، آخرین پیامبر» را به نگارش درمی‌آورند، باز هم می‌بینیم که علم در دست ایشان به ابزاری برای استوارتر ساختن دین در اذهان عمومی تبدیل می‌شود.

موضوع مبارزه هم به صرف فرامین دینی وارد شد و صرفاً به ترویج دانش مذهبی می‌پرداخت. روشی که به عنوان سدی در مقابل جذبات‌ها و فریب‌های دیگران محسوب می‌شد. این مبارزه در حقیقت دفاع از آرمان‌های دینی محسوب می‌شد که با توجه به شرایط مبارزه خوانده شد.

مهم‌ترین اقدامات شهید پاک‌نژاد، در دوره نمایندگی، شامل چه مواردی بود؟

زمانی که به دورهٔ نمایندگی ایشان در مجلس شورای اسلامی مربوط می‌شد، من کمتر در یزد حضور داشتم و چندان در جریان فعالیت‌های ایشان نبودم، ضمن

اجتماعی شهید پاک‌نژاد و حتی دیدگاه‌های دینی و انسانی ایشان صحبت بسیار شده است، اما آن‌چه از نظر من جا دارد تا بیشتر به آن بپردازیم و با توجه به تخصصی که دارید از عهدهٔ شما به‌خوبی برمی‌آید، فعالیت‌ها و وجوه شخصیتی ایشان است.

اصلاً، ویژگی دکتر پاک‌نژاد این بود که به همه چیز از زاویه دین نگاه می‌کردند. حتی وقتی ایشان در زمینهٔ پزشکی دست به قلم می‌شوند و کتاب ماندگار «اولین دانشگاه، آخرین پیامبر» را به نگارش درمی‌آورند، باز هم می‌بینیم که علم در دست ایشان به ابزاری برای استوارتر ساختن دین در اذهان عمومی تبدیل می‌شود. شهید پاک‌نژاد، درست در زمانی که سعی می‌شد با جذایب‌های وارداتی غربی و مکاتب مختلف، اذهان مسلمانان و به‌خصوص شیعیان را خدشه‌دار کنند، با پیوند نکات علمی با موضوعات دینی، جامعه را متوجه گستره‌ای ناشناخته از دین می‌کنند که تا آن روز، در قالب احکام انجام می‌دادند. کتاب «اولین دانشگاه، آخرین پیامبر» به سبکی ارائه شد که هر مخاطبی در هر سطحی با آن ارتباط برقرار کند و احکام را از چشم‌انداز علم توضیح و تفسیر کند. این عمل دکتر، باعث شد تا جوانان و مسلمانان با دید محکم‌تری به احکام و موضوعاتی که در دین مطرح شده است نگاه کنند. بنابراین برای دکتر پاک‌نژاد همه چیز در گسترهٔ دین و از زاویهٔ احکام شرعی تعریف و تفسیر می‌شد. بعد از کتاب «اولین دانشگاه، آخرین پیامبر»، شهید پاک‌نژاد، چند جلد کتاب دیگر هم نوشتند که باز به موضوعات علمی و مذهبی در مجاورت هم اشاره داشت. البته یکی از نکاتی که ایشان مد نظر داشت این بود که این کتاب‌ها در سنین مناسب مطالعه شود، چون به موضوعات ریزتری اشاره داشت.

به‌هر حال، اگر دوستان هم صحبتی خارج از این مقوله نکرده‌اند، به این دلیل نبوده که فراموش کرده‌اند یا در جریان نبوده‌اند، بلکه به این دلیل بوده که در زندگی شهید پاک‌نژاد چیزی وجود نداشته که پیوندی محکم با اسلام و دین نداشته باشد.

از قرار، وجههٔ مبارزاتی شهید پاک‌نژاد هم دقیقاً به همین شکل بوده است. شما این بخش از زندگی شهید را چگونه تحلیل می‌کنید؟

همان‌طور که اشاره کردید، فعالیت‌های مبارزاتی ایشان هم دقیقاً محوریت دینی داشت. یزد شهر بسته‌ای بود - با اعتقادات اسلامی - که بسیاری در تلاش بودند تا افکار مختلفی، به‌خصوص بهائیت، را در آن ترویج کنند. از آنجایی که حکومت نیز کاملاً بهائیت را پشتیبانی می‌کرد، مقابله با این طریقه بسیار مشکل بود. به همین دلیل، انجمنی تشکیل شد تا در مقابل فعالیت‌های بهائی‌ها بایستد و آن‌ها را محدود کند.

بنا به چه روشی؟ اصلاً آیا سبزه و مقابله‌های فیزیکی و مبارزاتی از نوع معمول دستور کار انجمن بود؟

خیر، همه چیز در کمال آرامش صورت می‌گرفت. مبنای مبارزهٔ این انجمن، مباحثه و ایجاد آگاهی و دانش بود، به‌طوری‌که بنا به بحث‌های مطرح‌شده و موضوعاتی که مورد مطالعه قرار می‌گرفت، جوان‌ها را برای هر گونه مباحثه‌ای آماده می‌کرد. این موضوع،